

Abstract:

Policy evaluation is the rule or principle that a group or organization uses to guide decisions and actions during the policy-making process. The purpose of this study is to evaluate the education policies with a network governance approach in Iran from the perspective of the High Council of Thought Center. To conduct the present study and study on the evaluation of education policies with a network governance approach in Iran through qualitative research method has been used. Research community The experts of higher education education and the center of thinking were identified. The sampling was done in a purposeful manner, meaning that for the study, those individuals were selected who have sufficient experience or as stakeholders in the field of policy. Education policies and policies are in place to provide sufficient information on the underlying issue and research. Since the phenomenological method has been used to determine the sample size (Paul It et al., 2001), due to the complexity and data collection and the expected time nature, the sample size is small (Dance Comby, 2003). The reason for the number of participants was 6 members of the think tank (university professors in the fields of educational management and public administration) and five members of the Higher Education Council. It was assumed that in the present study, unstructured interviews were used to collect information and according to the results, the effective nucleus in the relationship between the stakeholders in education of the Higher Education Council, which has a high communication power. In the education system of the country. This core is directly related to the core of the think tank as the most scientific core that has an academic perspective. The core of the think tank as a scientific and technical core has the most connection with the Higher Education Council. It can be concluded that the most powerful core in The hierarchical form is the Higher Education Council itself, which has the greatest impact on other nuclei.

ارزیابی خط مشی های آموزش و پرورش با رویکرد حکمرانی شبکه ای در ایران از منظر گروه کانون تفکر و شورای عالی

سید رضا گنجی پور¹
مهربان هادی پیکانی²
اکبر اعتباریان خوراسگانی³

تاریخ دریافت :

1401/4/10

تاریخ پذیرش:

چکیده

ارزیابی خطمشی قاعده یا اصلی است که یک 1401/6/7 یا سازمان برای هدایت تصمیمات و اقدامات در طول فرآیند خط مشی گذاری از آن استفاده می‌کنند. هدف پژوهش حاضر ارزیابی خط مشی های آموزش و پرورش با رویکرد حکمرانی شبکه ای در ایران از منظر گروه کانون تفکر و شورای عالی است. برای انجام پژوهش حاضر و مطالعه در مورد ارزیابی خط مشی های آموزش و پرورش با رویکرد حکمرانی شبکه ای در ایران از طریق روش تحقیق کیفی استفاده شده است. جامعه پژوهش خبرگان پژوهش عالی آموزش و پرورش و کانون تفکر تعیین و مشخص گردیدند. نمونه گیری به شیوه هدفمند صورت پذیرفت، بدین معنی که برای مطالعه، آن دسته از افراد انتخاب شده اند که دارای تجربه کافی و یا به عنوان ذی نفعان در حوزه خط مشی ها و سیاست های آموزش و پرورش حضور دارند، تا بتوان از طریق آن ها اطلاعات کافی در باره موضوع اساسی مربوط به مساله و پژوهش به دست آورد. از آنجایی که برای تعیین حجم نمونه روش پدیدار شناسانه (پل ایت و همکاران، 2001) مورد استفاده قرار گرفته است به دلیل پیچیدگی و جمع آوری داده ها و ماهیت زمانی مورد انتظار، حجم نمونه کوچک می باشد (دنس کومبی، 2003). به همین علت تعداد شرکت کننده گان 6 نفر از کانون تفکر (اساتید دانشگاه ها در رشته های مدیریت آموزشی و مدیریت دولتی) و پنج نفر از اعضای شورای عالی آموزش و پرورش بودند. فرض بر این بود که در پژوهش حاضر از مصاحبه ساختار نیافته جهت جمع آوری اطلاعات استفاده گردید و طبق نتایج، هسته ی تاثیر گذار در ارتباط بین هسته های ذی نفع در آموزش و پرورش شورای عالی آموزش و پرورش است، که از قدرت ارتباطی بالایی در نظام آموزش و پرورش کشور برخوردار است. این هسته با هسته ی کانون تفکر به عنوان علمی ترین هسته که دارای دیدگاه آکادمیک می باشد، ارتباط مستقیم دارد هسته کانون تفکر به عنوان یک هسته ی علمی و تکنیکال بیشترین ارتباط را با شورای عالی آموزش و پرورش داشته می توان نتیجه گرفت قدرتمند ترین هسته در شکل سلسله مراتبی خود شورای عالی آموزش و پرورش می باشد که بیشترین تاثیر را بر سایر هسته ها می گذارد.

کلمات کلیدی: آموزش و پرورش، شبکه، پژوهش، کانون تفکر.

¹ دانشجوی دکترای مدیریت دولتی، واحد اصفهان، (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

² استادیار گروه مدیریت، واحد اصفهان، (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

³ دانشیار گروه مدیریت، واحد اصفهان، (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

مقدمه

ارزیابی خطمشی قاعده یا اصلی است که یک گروه یا سازمان برای هدایت تصمیمات و اقدامات در طول فرآیند خط مشی گذاری

از آن استفاده می‌کنند (تاچیم¹، 2009). هاوالت و رامش معتقدند که مفهوم ارزیابی خط مشی اشاره دارد به مرحله‌ای از فرآیند خط‌مشی‌گذاری که در آن مشخص می‌شود که یک خط‌مشی عمومی واقعاً چگونه به اجرا درآمده است (هاوالت و رامش، 2003). تا چندی قبل ارزیابی خط مشی به صورت جدی مورد توجه نبود و در فرآیند خط‌مشی‌گذاری کمتر به آن پرداخته می‌شد ولی اخیراً در میان محققان و خط‌مشی‌گذاران علاقه و تمایل زیادی در قبال این مرحله از فرآیند خط‌مشی‌گذاری در حال شکل‌گیری است، که به عنوان مرحله‌ای مهم در فرآیند خط‌مشی‌گذاری است و مدیران بخش عمومی به صورت فزاینده‌ای برای توجیه برنامه‌های کنونی، برنامه‌های هزینه‌ها و منافع و پیشنهاد تغییرات ضروری به ارزیابی خط‌مشی متوسل شده‌اند (الوانی و شریف زاده، 1392). ارزیابی خط‌مشی عمومی، به شکل کلی به عنوان ابزاری تحلیلی و رویه‌ای تعریف شده که دو کار انجام می‌دهد، نخست تحقیق ارزیابی، دوم ارزیابی به عنوان مرحله‌ای از خط‌مشی که اشاره دارد به گزارش اطلاعات بدست آمده به خط‌مشی‌گذاران درگیر در فرآیند خط‌مشی‌گذاری (وولمن²، 2003). از طریق ارزیابی و سنجش اثربخشی می‌توان به میزان موفقیت در اجرای خط‌مشی پی برد. خط‌مشی عمومی و حکمرانی (نظارت) شبکه‌ای می‌تواند منفعت ایجاد کند از میزان آشکار مبادلات موجود زمانی که انتخاب‌های آگاهانه و عقلایی برای خط‌مشی‌های آینده وجود داشته باشد (کیو³، 2009؛ نقل از شریف زاده و معدنی، 1394). از این‌رو ارزیابی با رویکرد حکمرانی شبکه‌ای دارای اهمیت می‌باشد. دولت‌ها برای پاسخ‌گویی به مخاطبان و بهبود بخشیدن به اثرات سیاست‌گذاری‌ها، توسعه و پیشرفت نیازمند ارزیابی در تمام حوزه‌ها هستند. از آنجا که یکی از دستگاه‌های تأثیرگذار در امر توسعه آموزش و پرورش می‌باشد، لذا همه دولت‌ها سعی می‌کنند تا نقش آموزش و پرورش را در توسعه علمی و آموزشی ارتقاء دهند به گونه‌ای که می‌توان اذعان کرد که، یکی از مهم‌ترین و گرانبها ترین منابعی که جامعه برای توسعه و پیشرفت در اختیار دارد آموزش و پرورش است. به این جهت سیستم آموزش و پرورش برای دستیابی به توسعه لازم است سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مناسبی را در زمینه آموزش و پرورش اتخاذ کند. بکار بستن چنین سیاست‌های مستلزم آن است، که این نظام آموزشی الگوی مناسب ارزیابی سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها را در سطوح عالی دارا باشد، به نحوی که هم استانداردهای علمی و فنی آموزش و پرورش و هم شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه هدف را مورد توجه قرار دهد. بدیهی است سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش ایران همگام با دیگر کشورهای جهان به صورت بلند مدت نیازمند ارزیابی است. ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌های آموزش و پرورش در دیگر کشورها در محافل دانشگاهی و مطالعاتی، تاکنون صرفاً با اندازه‌گیری نتایج تحقیقات از یک طرف و تحلیل‌های مروری از طرف دیگر انجام شده ولی مدلی برای این ارزیابی تدوین نشده است. زیرا خط‌مشی‌ها و سیاست‌ها در آموزش و پرورش بیشتر جنبه‌ی اداری و اجرایی دارند. در حالی که افق دید آموزش و پرورش نیز باید علمی و آموزشی باشد تا مجموعه‌ها و ساختارها را به آن سمت هدایت کند. در شرایط فعلی آموزش و پرورش ایران صرفاً با محوریت کنکور فعالیت

¹ Trochim

² Wollmann

³ Qiu

می‌کند، در حالی که آموزش و پرورش می‌بایست از محتوا محوری به مهارت محوری تغییر رویه دهد. با توجه به پژوهش‌ها و تحقیقات انجام شده در ارتباط با ارزیابی خط‌مشی‌های آموزش و پرورش تا کنون در ایران پژوهشی صورت نگرفته است، این نگاه مروری نشان می‌دهد که در موضوع تحقیق حاضر خلاء تحقیقاتی وجود دارد و از این جهت این پژوهش می‌تواند خلاء موجود را پوشش دهد. از این رو ضرورت دارد تا دست اندرکاران حوزه آموزش و پرورش، نهادهای سیاستگذار در عرصه آموزش و پرورش، اساتید دانشگاه و اساتید خط‌مشی‌گذاری، مدیران، کارشناسان آموزش و پرورش با تکیه بر تحقیقات انجام شده در حوزه ارزیابی خط‌مشی‌ها رویکرد مناسبی را مورد استفاده قرار دهند. بنابراین ضرورت دارد، که به دنبال مدلی با رویکرد مناسب برای ارزیابی خط‌مشی‌های آموزش و پرورش باشیم، بر این اساس ارزیابی خط‌مشی‌های آموزش و پرورش با رویکرد حکمرانی شبکه‌ای در ایران حایز اهمیت می‌باشد و هدف تحقیق، ارزیابی خط‌مشی‌های آموزش و پرورش با رویکرد حکمرانی شبکه‌ای در ایران از منظر گروه کانون تفکر و شورای عالی است.

پیشینه پژوهش داخلی و خارجی

کفاشی و فتحی (1390) به بررسی تاثیر شاخصهای اجتماعی و فرهنگی بر میزان اعتماد اجتماعی شهروندان تهرانی به دانشگاه آزاد اسلامی پرداختند و همکاران (1392) به تدوین سیستم خط‌مشی‌گذاری فرهنگی آینده نگر با استفاده از هم افزائی مدلها پرداختند. معمارزاده طهران و همکاران (1390)، به ارائه مدل برای ارزیابی اثربخشی اجرای خط‌مشی‌های عمومی جمهوری اسلامی ایران در حوزه بهداشت و درمان پرداختند. کیخا نژاد و همکاران (1394) به ارزیابی میزان استفاده از فن آوری اطلاعات و ارتباطات در فرآیند یاددهی و یادگیری برنامه‌های درسی دانشگاه فرهنگیان بر اساس اسناد بالا دستی از دیدگاه اساتید این دانشگاه (پردیس‌های استان سیستان و بلوچستان)، پرداختند.

قلی‌پور و همکاران (1394) به بررسی مفهوم پردازش پدیده شکاف خط‌مشی در فرآیند خط‌مشی‌گذاری فرهنگی، پرداختند. شریعت‌نیا (1394) به نقد و بررسی رویکرد سیاست‌گذاری در آموزش عالی ایران با تکیه بر الگوی نظام ملی نوآوری پرداختند. دیوید نیو¹ در سال (2002)، در کتاب ارزیابی مدرسه محور: یک دیدگاه بین‌المللی که گزارش شماره 8 پیشرفت‌هایی در ارزیابی برنامه‌ها بود به ارزیابی خط‌مشی‌ها برای مدارس پرداخت. الیزابت میشل² (2006)، در رساله دکتری خود تحت عنوان "بکارگیری و ارزیابی مدل اقتضایی برای اجرای خط‌مشی یادگیری آنلاین در تحصیلات عالی" برای ارزیابی خط‌مشی‌ها از مدل متلند استفاده نمود. ویسمن³ (2010) به بررسی مزایا و معایب خط‌مشی‌گذاری آموزشی در سطح مطالعات بین‌المللی پرداخت. جونز⁴ (2010) به بررسی سیاست اقتصاد فرهنگی و حاکمیت آموزش و پرورش بین‌المللی در غالب یک چارچوب نظری پرداختند. در این

¹ Nevo

² Mitchell

³ Wiseman

⁴ Jones

تحقیق به بررسی ارزش‌های سیاست اقتصاد فرهنگی به عنوان یک چارچوب اصلی برای تجزیه و تحلیل حاکمیت آموزش بین‌المللی پرداختند. نتایج بررسی‌ها نشان داد که سیاست اقتصاد فرهنگی در کشورهای اتحادیه اروپا، سبب توسعه نظام آموزشی شده است و این سیاست در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته، به خوبی درک نشده است و نیازمند تعامل مناسبی بین سایر بخش‌های سیاست‌گذاری می‌باشد. کلمینک¹ (2010) به بررسی دستاوردهای بین‌المللی در سیاست‌گذاری آموزش و پرورش در اسلوانی پرداختند. در این تحقیق به مطالعه تطبیقی نظام آموزشی این کشور با نظام‌های آموزشی بین‌المللی در دو دهه، پرداختند. ماگرو ویلسون² (2013) به بررسی سیستم‌های سیاست‌گذاری نوآورانه و پیچیده، با استفاده از ارزیابی ترکیبی، پرداختند.

روش تحقیق

برای انجام پژوهش حاضر و مطالعه در مورد ارزیابی خط‌مشی‌های آموزش و پرورش با رویکرد حکمرانی شبکه‌ای در ایران از طریق روش تحقیق کیفی استفاده شده است. چرا که قصد بر این بوده است که ارزیابی خط‌مشی‌های آموزش و پرورش مورد بررسی قرار بگیرد و از بین روش‌های کیفی نیز رویکرد پدیدارشناختی مورد استفاده قرار گرفته است، که به نمایاندن ادراکات تجربه انسانی در مورد انواع پدیده‌ها می‌پردازد. پژوهش حاضر از نظر رویکرد، کیفی و روش مورد استفاده پدیدارشناختی به منظور درک تجربیات بازیگران و کنشگران یا هسته‌های ذی‌نفع آموزش و پرورش بوده است. جامعه پژوهش خبرگان پژوهش‌های عالی آموزش و پرورش و کانون تفکر تعیین و مشخص گردیدند. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند صورت پذیرفت، بدین معنی که برای مطالعه، آن دسته از افراد انتخاب شده‌اند که دارای تجربه کافی و یا به عنوان ذی‌نفعان در حوزه خط‌مشی‌ها و سیاست‌های آموزش و پرورش حضور دارند، تا بتوان از طریق آن‌ها اطلاعات کافی در باره موضوع اساسی مربوط به مساله و پژوهش به دست آورد. از آنجایی که برای تعیین حجم نمونه روش پدیدارشناسانه (پل ایت و همکاران، 2001) مورد استفاده قرار گرفته است به دلیل پیچیدگی و جمع‌آوری داده‌ها و ماهیت زمانی مورد انتظار، حجم نمونه کوچک می‌باشد (دنس کومبی، 2003). به همین علت تعداد شرکت‌کننده گان 6 نفر از کانون تفکر (اساتید دانشگاه‌ها در رشته‌های مدیریت آموزشی و مدیریت دولتی) و پنج نفر از اعضای شورای عالی آموزش و پرورش بودند. فرض بر این بود که در پژوهش حاضر از مصاحبه ساختار نیافته جهت جمع‌آوری اطلاعات استفاده گردید.

یافته‌ها

تجزیه و تحلیل اطلاعات

¹ Klemencic

² Magro mixEduerne, Wilson James

جدول 1، از تحلیل مصاحبه ها را نشان می دهد که شامل استخراج مفاهیم از متن مصاحبه ها می باشد.

جدول (1) مفاهیم استخراج شده از اظهارات مربوطه به مصاحبه هسته ی (شورای عالی)

ردیف	مفهوم استخراج شده
1	1- ارزیابی خط مشی های آموزشی و پرورشی مبتنی بر ارزش های بومی. 2- استقلال ارزیابی خط مشی های آموزشی و پرورشی از ذهنیت های فردی.
2	3- وجود خط مشی های آموزشی و پرورشی مبتنی بر معیارهای بومی 4- توسعه خط مشی های آموزشی مبتنی بر معیار های بومی.
3	5- ضرورت ارزیابی خط مشی های آموزشی و پرورشی مبتنی بر تزکیه. 6- نیاز به ارزیابی خط مشی های آموزشی مبتنی بر نظام ارزشی.
4	7- ارزیابی خط مشی های های آموزشی و پرورشی مبتنی بر ارزش های بومی. 8- ارزیابی خط مشی های آموزشی و پرورشی مبتنی نظام ارزشی.
5	9- ارزیابی اثر بخش خط مشی های آموزشی و پرورشی با توجه به عوامل فردی . 10- ارزیابی اثر بخش خط مشی های آموزشی و پرورشی با توجه به عوامل سازمانی. 11- ارزیابی اثر بخش خط مشی های آموزشی و پرورشی با توجه به عوامل فرآیندی.
6	12- ضرورت خط مشی های آموزشی و پرورشی بر مبنای ارزش گذاری منصفانه و یکسان. 13- وجود خط مشی های آموزشی با در نظر گرفتن تفاوت های فردی و عادلانه.

7	14- رسیدن به اهداف آموزشی و پرورشی مبتنی بر نظام دینی و ارزشی. 15- رسیدن به اهداف آموزشی و پرورشی مبتنی بر اثربخشی. 17- وجود خط مشی آموزشی و پرورشی برای رسیدن به تعلیم و تزکیه.
8	18- ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی و پرورشی مبتنی بر نظام دینی و ارزشی 20- ارزیابی خط مشی‌های آموزش و پرورش توسط هسته‌های ذینفع
9	21- ارزیابی خط مشی‌های آموزش و پرورش مبتنی بر شاخص‌های بومی.
10	22- نیاز به خط مشی‌ها و برنامه‌های آموزشی برای رسیدن به هدف. 23- مقبولیت خط مشی‌ها و برنامه‌ها آموزشی و پرورشی توسط جامعه هدف.
11	24- ارزیابی خط مشی‌های آموزشی و پرورشی مبتنی بر سند تحول بنیادین.
12	25- ضرورت خط مشی‌های آموزشی و پرورشی مبتنی بر پذیرش اجتماعی/
13	26- نیاز به خط مشی‌های آموزشی و پرورشی جهت حل مشکلات اجتماعی. 27- وجود خط مشی‌های آموزشی و پرورشی مورد قبول جامعه.
14	28- سازگاری و انطباق خط مشی‌های آموزشی و پرورشی با فرهنگ دینی. 29- هماهنگی و سازگاری خط مشی‌های آموزشی و پرورشی با فرهنگ ملی. 30- هماهنگی خط مشی‌های توزیعی با فرهنگ دینی و ملی.
15	31- ارزیابی از مراحل مختلف خط مشی‌های آموزشی و پرورشی. 32- ضرورت گرفتن بازخورد از خط مشی‌های آموزشی و پرورشی.
16	34- امکان ایجاد زیرساخت‌های لازم جهت اجراء خط مشی‌های آموزشی و پرورشی.

17	35 - ضرورت وجود خط مشی های آموزشی و پرورشی به صورت تدریجی و گام به گام. 36-نیاز به خط مشی های آموزشی و پرورشی مبتنی بر تامین منابع مالی و انسانی.
18	37- هماهنگی و مطابقت خط مشی های آموزشی و پرورشی با اسناد بالا دستی.
19	38- وجود اختیارات حقوقی نمایندگان در سیاست گذاری های آموزش و پرورش برای مطالبه اهداف آموزشی. 39- نیاز به اهتمام و همکاری مجلس و دستگاه های تأثیر گذار در جهت افزایش کیفیت خط مشی های آموزشی و پرورشی.
20	40- ضرورت خط مشی های آموزشی و پرورشی مطالبه گر و هماهنگ جهت بهبود کیفیت خدمات آموزشی و پرورشی.
21	41- وجود خط مشی های آموزشی و پرورشی مبتنی بر کیفیت و رسیدن به هدف. 42-نیاز به خط مشی های آموزشی و پرورشی مبتنی بر استفاده بهینه از منابع و امکانات.
22	43- نیاز به وجود خط مشی های آموزشی و پرورشی مبتنی بر توزیع عادلانه و برابر از امکانات و تجهیزات آموزشی.
23	44- ارزیابی خط مشی های آموزشی و پرورشی توسط همه هسته های ذی ذی نفع.
24	45- ارزیابی خط مشی های آموزشی و پرورشی توسط گروه های سیاسی و اجتماعی. 46- ارزیابی خط مشی ها و برنامه های آموزشی و پرورشی توسط واحد های ذیربط اداری.
25	47- اجرای خط مشی های آموزشی و پرورشی به صورت تدریجی و گام به گام. 48- ارزیابی خط مشی ها آموزشی و پرورشی به صورت تدریجی و مستمر.
26	49- به کارگیری سیاست ها و برنامه های آموزشی و پرورشی به شیوه عملی.
27	50- سیاست زدایی از خط مشی ها و برنامه های آموزش و پرورش 51- ارزیابی خط مشی های آموزشی و پرورشی مبتنی بر مبانی علمی.

28	52- ارزیابی خط مشی های آموزشی و پرورشی منطبق بر قوانین بالا دستی. 53- هماهنگی خط مشی ها و برنامه های آموزشی و پرورشی با اسناد بالادستی.
29	54- ضرورت خط مشی های آموزشی مبتنی بر نیاز های جامعه هدف. 55- نیاز به خط مشی آموزشی و پرورشی مبتنی بر مصوبات قانونی .
30	56- وجود خط مشی های آموزشی و پرورشی مورد قبول جامعه هدف. 57- ضرورت وجود خط مشی های آموزشی و پرورشی دموکراتیک.
31	58- ارزیابی خط مشی آموزش و پرورش مبتنی بر کیفیت آموزشی . 59- ارزیابی خط مشی های آموزش و پرورش بر مبنای بر نیروی انسانی کارآمد. 60- ارزیابی خط مشی های آموزشی و پرورشی مبتنی بر پذیرش اجتماعی.
32	61- ضرورت وجود خط مشی های آموزشی و پرورشی مبتنی بر کیفیت. 62- وجود خط مشی های آموزشی مبتنی بر تربیت نیروی انسانی کارآمد.
33	63- امکان وجود خط مشی های آموزشی و پرورشی مبتنی بر توزیع بهینه منابع و امکانات مالی . 64- ضرورت وجود خط مشی ها و برنامه های آموزشی و پرورشی مبتنی بر نیروی انسانی کارآمد.
34	65- وجود خط مشی های آموزشی و پرورشی مبتنی بر بهبود و بهینه سازی نیروی انسانی .
35	66- ضرورت وجود خط مشی ها آموزشی و پرورشی مبتنی بر سرمایه اجتماعی.
36	68- ضرورت ارزیابی فرآیندی خط مشی و سیاست های آموزشی و پرورشی.

37	69- رسیدن به نتایج مورد نظر برنامه های آموزشی و پرورشی.
38	70- استقلال خط مشی ها از تغییر و تحولات مدیریتی. 71- ضرورت ثبات در خط مشی های آموزشی و پرورشی.
39	72- انتخاب مدیران براساس شرایط سند تحول بنیادین . 73- استقلال خط مشی ها از تغییر و تحولات مدیریتی.
40	74- نیاز به خط مشی های آموزشی و پرورشی و تحول آفرین بر مبنای سند تحول بنیادین. 75- وجود خط مشی های آموزشی و پرورشی اثر بخش در نظام تعلیم و تربیت نوین.
41	76- ضرورت خط مشی های آموزشی و پرورشی مبتنی بر مهارت آموزی.
42	77- استقلال خط مشی ها از تغییر و تحولات مدیریتی . 78- اجرای برنامه های و سیاست های تحول آفرین در آموزش و پرورش. 79- سیاست زدایی از خط مشی های آموزشی و پرورشی.
43	80- وجود خط مشی های آموزشی و پرورشی ارزشمدار مکمل خط مشی های آموزشی کلان/
44	81- وجود سازمانی برای تحلیل خط مشی های آموزشی و پرورشی با توجه به فرصت ها و تهدید ها، قوت ها و ضعف ها.
45	82- ارائه خط مشی های آموزشی و پرورشی مبتنی بر مهارت های اجتماعی .
46	84- ضرورت ارزیابی صحیح از خط مشی های آموزش و پرورش مبتنی بر منافع و خواسته های کنشگران و ذی نفعان.

47	85- ضرورت اجرای خط مشی های آموزشی و پرورشی با لحاظ منافع و علایق ذی نفعان اصلی.
48	86- ضرورت خط مشی های آموزشی مبتنی بر توزیع عادلانه خدمات آموزشی 87- نیاز به خط مشی های پرورشی مبتنی بر توزیع عادلانه خدمات تربیتی
49	88- توزیع عادلانه و برابر خدمات و تجهیزات آموزشی.
50	89- وجود خط مشی هایی جهت ارزیابی دقیق نیاز های مالی 90- نیاز به خط مشی هایی جهت ارزیابی نیاز های انسانی.
51	92- ضرورت ارزیابی مداوم و مستمر خط مشی ها و برنامه ها قبل از اجراء. 93- ارزیابی آزمایشی و تدریجی خط مشی های آموزشی و پرورشی
52	94- تبدیل خط مشی های آموزشی به مهارت آموزی. 95- ضرورت خط مشی های آموزشی که نیاز های جامعه هدف را مرتفع سازد.
53	96- رسیدن به اهداف مورد نظر یا اثر بخشی.
54	97- وجود خط مشی های آموزشی جهت حل مشکلات با هزینه بهینه.
55	98- نیاز به خط مشی های سودمند و مورد قبول جامعه هدف.
56	99- وجود خط مشی های آموزشی و پرورشی مبتنی بر پیامد و اثر.
57	100- توزیع عادلانه و برابر زیر ساخت ها و امکانات مالی و انسانی.
58	101- وجود زیرساخت های لازم جهت اجرای سند تحول بنیادین.
59	102- ارزیابی سیاست ها و برنامه ها مبتنی بر استفاده بهینه از منابع مالی.

60	103- پذیرش سیاست ها و برنامه ها توسط جامعه هدف.
61	104- توجه به شرایط جغرافیایی و تفاوت های قومی در ارزیابی از خط مشی ها.
62	105- ضرورت مکانیزم های ارزیابی قبل از اجراء، حین اجراء و بعد از اجراء.
63	106- ضرورت خط مشی های آموزشی مبتنی بر استفاده عملی و کاربردی دانش آموزان از آموخته های خود پس از دوران تحصیل.

جدول 3، مراحل تحلیل مصاحبه ها را نشان می دهد در این جدول محقق مفاهیم استخراج شده را در دسته های هم نوع تحت عنوان مقوله، و پس از آن، مقوله های استخراج شده را تحت عنوان بعد سازماندهی و مرتب نموده است.

جدول (3) تعیین بعد و مقوله از مفاهیم استخراج شده هسته ی (شورای عالی)

ردیف	بعد	مقوله	شماره مفاهیم
1	ارزیابی و بازرسی قبل از اجراء	بومی سازی	1-3-4-7-21-29-104
2		سیاست زدایی	2-50-70-72-73-77-79
3		هماهنگی با سایر قوانین	24-33-37-52-53-55-74
4		منابع مالی و انسانی	34-36-59-63-64-65
5		مشروعیت خط مشی	19-23-25-26-27-51-54-56-57-60-84-85-89-90-91-95-98-103
6	ارزیابی و بازرسی پس از اجراء	مداومت و پایداری	31-35-47-48-68-71-92-93-105
7		کارآیی خط مشی	16-42-63-97-101-102
8		مشارکت	20-38-39-44-45-46-81
9		ارزشمداری ارزیابی	5-6-8-14-17-18-28-30-66-80
10	ارزیابی و بازرسی پس از اجراء	اثربخشی	9-10-11-15-22-32-40-41-58-61-67-69-75-78-96-98-99

12-13-43-86-87-88-100	عدالت برابری و	11
49-76-82-83-94-106	تاکید مهارت آموزی بر	12

جدول 5، مرحله تحلیل مصاحبه ها را نشان می دهد که شامل استخراج مفاهیم از متن مصاحبه ها می باشد.

جدول (5) مفاهیم استخراج شده از اظهارات مربوطه به مصاحبه هسته ی (کانون تفکر)

مفهوم استخراج شده	ردیف
1- امکان ارزیابی برنامه ها و سیاست هاپس از اجراء .	1
2- امکان ارزیابی ورودی ها و خروجی های خط مشی های آموزشی و پرورشی.	2
3- ارزیابی مستمر و مداوم از سیاست ها و برنامه های آموزشی و پرورشی.	3
4- نرخ گذر تحصیلی و موفقیت در سطوح بالاتر.	4
5- تحقق اهداف خط مشی های آموزشی و پرورشی.	5
6- تحقق اهداف خط مشی های آموزشی و پرورشی با هزینه بهینه .	6
7- ارزیابی برنامه ها و خط مشی های آموزشی و پرورشی توسط سازمان های ذیربط.	7
8- ارزیابی برنامه ها و سیاست ها توسط دستگاه های ناظر.	8
9- کاربردی کردن علم و دانش	9
10- عملیاتی کردن خط مشی های آموزشی.	10

6	<p>11- وجود خط مشی هایی که بتواند مشکلات هسته های ذی نفع را حل کند</p> <p>12- وجود خط مشی هایی که مورد قبول جامعه هدف باشد.</p>
7	<p>13- ضرورت نیاز سیاست ها و خط مشی های آموزشی باتوجه به کلاس جهانی</p> <p>14- پویایی وبالندگی علمی و آموزشی جامعه.</p>
8	<p>15- ارزیابی خط مشی های آموزشی و پرورشی توسط هسته های ذی نفع.</p>
9	<p>16- ضرورت خط مشی ها و سیاست های آموزشی هماهنگ با قوانین مادر و سایر قوانین ذیربط.</p>
10	<p>17- موفقیت در سطوح مختلف تحصیلی،</p> <p>18-قبولی در دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی کشور.</p> <p>19- توسعه کمی و کیفی خط مشی های آموزشی و پرورشی.</p>
11	<p>20- ضرورت وجود خط مشی های آموزشی و پرورشی مبتنی بر افزایش ضریب امید به آینده در دانش آموزان.</p> <p>21- نیاز به خط مشی های آموزشی وپرورشی مبتنی بر احساس وتعلق خاطر در دانش آموزان.</p> <p>22- وجود خط مشی های آموزشی مورد قبول جامعه هدف.</p>
12	<p>23- به کار گیری تکنولوژی در خط مشی های آموزشی و پرورشی</p> <p>24- نیاز به خط مشی های آموزشی و پرورشی مبتنی بر مهارت های زندگی.</p> <p>25- ضرورت خط مشی های آموزشی و پرورشی مبتنی برکاربردی کردن دانش درجامعه.</p> <p>26-ضرورت وجود خط مشی آموزشی و پرورشی موثر در جامعه.</p>

13	27- ارزیابی خط مشی های آموزشی و پرورشی توسط سیستم اداری درون سازمانی. 28- ارزیابی خط مشی های آموزشی و پرورشی توسط هسته های بیرونی.
14	29- هم سویی خط مشی ها و سیاست ها با تحولات جهانی 30- بکارگیری تکنولوژی در خط مشی های آموزشی و پرورشی.
15	31- ارزیابی خط مشی ها و برنامه های آموزشی پس از اجراء. 32- ضرورت توجه به اثرات و پیامدهای خط مشی آموزشی و پرورشی.
16	33- ارزیابی خط مشی های آموزشی و پرورشی توسط هسته های ذی نفع. 34- وجود خط مشی های آموزشی و پرورشی پاسخگو و مورد نیاز ذی نفعان.
17	35- هم سوئی دانش روز با تکنولوژی و دانش فنی. 36- نسبت دانش آموز به معلم. 37- مهارتی شدن خط مشی های آموزشی و پرورشی/
18	38- ضرورت ارزیابی خط مشی های آموزشی و پرورشی توسط سازمان های مستقل بیرونی.
19	39- نرخ گذر تحصیلی. 40- مهارتی شدن دانش. 41- قبولی در کنکور سراسری دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی.
20	42- ضرورت وجود ارزیابی مستمر و مداوم از سیاست ها و برنامه های آموزشی و پرورشی توسط سازمان های ذیربط و مستقل
21	43- ارزیابی خط مشی های آموزشی و پرورشی منطبق بر سند تحول بنیادین.

<p>44- ارزیابی سیاست ها و برنامه های آموزشی مبتنی بر کارآیی.</p> <p>45- ارزیابی سیاست ها و برنامه های آموزشی مبتنی بر اثربخشی</p> <p>46- ارزیابی برنامه ها و سیاست های آموزشی مبتنی بر تاثیر پذیری.</p> <p>47- ارزیابی سیاست ها و برنامه های آموزشی مبتنی بر عدالت و برابری.</p>	
<p>48- پویایی و بالندگی علمی مبتنی بر سیاست ها و برنامه های آموزشی.</p> <p>49- هماهنگی خط مشی های آموزشی و پرورشی با سایر قوانین بویژه سند تحول بنیادین.</p>	22
<p>50- ارتباط با نظام جهانی تعلیم و تربیت به منظور استفاده از فرصت ها.</p> <p>51- استفاده از تجربیات جهانی و افق های پیش رو در امر تعلیم و تربیت.</p> <p>52- توسعه محور بودن خط مشی های آموزشی و پرورشی متناسب با شرایط جهانی.</p>	23
<p>53- استفاده از ظرفیت فکرجامعه فرهنگیان برای ارزیابی خط مشی های آموزشی و پرورشی.</p> <p>54- استفاده از ظرفیت های مدنی جامعه فرهنگیان جهت ارزیابی خط مشی های آموزشی و پرورشی.</p>	24
<p>55- وجود سیاست ها و خط مشی هایی که اجرای آن ها نیازمند سازمان های چابک می باشد.</p>	25
<p>56- وجود منابع و امکانات مالی مکفی جهت ارزیابی خط مشی های آموزشی و پرورشی/</p>	26

27	57- همکاری و مشارکت همه جانبه ارگان ها و سازمان ها کشور جهت حل مشکلات آموزشی و پرورشی. 58- ضرورت هماهنگی بین نیاز ها و برنامه ریزی ها برای تربیت معلم. 59- اعمال تغییرات تدریجی در سیاست ها و برنامه های آموزشی.
28	60- ضرورت و نیاز به نیروی انسانی با کیفیت جهت اجرای برنامه ها و سیاست های آموزشی و پرورشی .
29	61- توجه به دانش فنی و تکنولوژی در ارزیابی از عملکرد آموزشی و پرورشی دانش آموزان. 62- توجه به زیر ساخت ها برای ارزیابی از عملکرد معلمان. 63- توجه به زیر ساخت ها از جمله فضای فیزیکی تجهیزات امکانات و کتب درسی. جهت ارزیابی عملکرد عوامل آموزشی.
30	64- تامین منابع مالی جهت کیفیت بخشی به تولید مواد آموزشی. 65- ضرورت تامین منابع مالی برای تربیت معلمان با صلاحیت علمی و آموزشی.
31	66- توجه به مدرسه و مدرسه محوری در بستر اجتماع. 67- مهارتی شدن آموزش و کارآفرینی.
32	68- استفاده از ظرفیت های موجود محلی خیرین و بخش غیر دولتی در اداره امور مدرسه. 69- ضرورت توجه به نقش خانواده در فعالیت های مدرسه .
33	70- نیاز به خط مشی های نظارتی جهت جلوگیری از تخلفات آموزشی در مدارس.
34	71- ضرورت تلاش و کوشش در جهت اصلاحات آموزشی و پرورشی با هماهنگی

	وتجانس در لایه های مختلف نظام آموزشی.
35	72- نیاز به فرآیند ارزیابی جامع و فراگیر از سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی و پرورشی.
36	73- ضرورت توجه به فراگیران و حضور فعال آنان در فرآیند یاددهی-یادگیری به عنوان اهداف اصلی نظام آموزشی.
37	74- نیاز به عملیاتی شدن سیاست‌ها آموزشی و پرورشی . 75- ضرورت کاهش شکاف بین سیاست‌ها و برنامه‌های تئوری و عملی. 76- ضرورت ارزیابی دقیق سیاست‌ها و اهداف آموزش و پرورش
38	77- هماهنگی سیاست‌ها و برنامه‌ها با سند جامع علمی کشور به منظور اجرای برنامه‌ها.
39	78- ارزیابی خط‌مشی‌ها و برنامه‌های آموزشی و پرورشی مبتنی بر تعالی علمی جامعه. 79- ارزیابی خط‌مشی‌ها و برنامه‌های آموزشی و پرورشی مبتنی بر تعالی فرهنگی جامعه.
40	80- قبولی دانش‌آموزان در مقطع تحصیلی بالاتر.
41	81- نیاز به خط‌مشی‌های آموزشی و پرورشی جهت تعلق خاطر دانش‌آموزان به سیستم آموزش و پرورش. 82- ضرورت خط‌مشی‌های آموزشی جهت جذب دانش‌آموزان به سیستم آموزش و پرورش.
42	83- قبولی دانش‌آموزان در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی.
43	84- وجود خط‌مشی‌های آموزشی و پرورشی مبنی بر کاربردی شدن آموزش.

44	85- نیاز به خط مشی‌ها آموزشی و پرورشی هم‌سوء با پیشرفت تکنولوژی
	86- ضرورت نیاز به خط مشی‌ها ی آموزشی و پرورشی برای پاسخگویی دانش‌آموزان به نیازهای تکنولوژیکی جامعه.
45	87- هم‌سویی خط مشی‌ها و سیاست‌های آموزشی متناسب با شرایط جهانی.
	88- ضرورت لحاظ دروس زبان انگلیسی و کامپیوتر در برنامه درسی دانش‌آموزان جهت هم‌سوئی با شرایط جهانی.
46	89- وجود خط مشی‌های آموزشی و پرورشی که به نیازهای همه مخاطبان و جامعه هدف پاسخ دهد.
47	90- ارائه خط مشی‌های آموزشی و پرورشی مورد رضایت همه هسته‌های ذی‌نفع.
48	91- مشارکت در ارزیابی خط مشی‌های آموزشی و پرورشی مبتنی بر ارزیابی اداری و سیاسی.
49	92- ارزیابی خط مشی‌ها و سیاست‌های آموزشی و پرورشی به صورت حین‌اجراء پس از اجرا ره‌آوردی و فرآیندی.
50	93- نیاز به سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی و پرورشی پویا و بالنده برای جامعه هدف.
51	94- رسیدن به اهداف آموزشی هدف‌نهایی آموزش و پرورش است.
52	95- وجود سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی مفید با پیامدهای مثبت.
53	96- استفاده بهینه از منابع و امکانات در ارزیابی خط مشی‌های آموزش و پرورش.
54	97- مشارکت دانش‌آموزان در ارزیابی خط مشی‌های آموزشی و پرورشی.

55	98- وجود سیاست ها و برنامه ی آموزشی و پرورشی مورد قبول جامعه هدف.
56	99-رضایت دانش آموزان، معلمان و اولیاء از اجرای خط مشی ها و برنامه ها.
57	100-میزان قبولی در سطوح بالاتر تحصیلی 101- نرخ گذر تحصیلی 102- قبولی در دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی
58	103- کاربرد ی شدن دانش
59	104- ضرورت هم سوئی دانش با تکنولوژی
60	105- هم سوئی دانش و تکنولوژی با شرایط جهانی.
61	106-هماهنگی سیاست ها و برنامه های آموزشی و پرورشی با قوانین بالادستی.
62	107- توزیع عادلانه و برابر زیر ساخت ها امکانات و تجهیزات مالی و انسانی .
63	108- ضرورت وجود مکانیزم های ارزیابی قبل از اجراء ، حین اجراء و بعد از اجراء . و نیز اداری.
64	109- ارزیابی برنامه ها و آموزشی توسط کنشگران مثل دانش آموزان ، اولیاء ، مربیان و نهاد های مردمی.
65	110-وجود خط مشی ها و سیاست ها پاسخگو برای جامعه هدف. 111-هماهنگی خط مشی ها و برنامه ها با اسناد بالادستی.
66	112- نیاز به سیاست ها و برنامه هایی به منظور رسیدن به اهداف آموزشی. 113- ضرورت وجود سیاست ها و برنامه های آموزشی و پرورشی کارآ و بهینه .
67	114- قبولی و موفقیت تحصیلی در دوران تحصیل و دانشگاه ها

68	115- نیاز به سیاست‌های آموزشی جهت کاربردی کردن علم و دانش در جامعه.
69	116- توجه به پیشرفت علمی جامعه هماهنگ با شرایط جهانی. 117- ضرورت برنامه‌های آموزشی به منظور بالندگی علمی
70	118- ارزیابی برنامه و سیاست‌ها توسط کنشگران و هسته‌های ذی‌نفع. 119- مشارکت دادن هسته‌های ذی‌نفع در خط‌مشی‌ها و برنامه‌ها.
71	120- نیاز به منابع مالی و انسانی در ارزیابی خط‌مشی‌های آموزشی و پرورشی.
72	121- توزیع عادلانه و برابر امکانات و منابع مادی و معنوی.
73	122- توجه به تفاوت‌های جنسیتی و جغرافیایی در خط‌مشی‌های آموزشی و پرورشی مبتنی بر عدالت.
74	123- هماهنگی خط‌مشی‌ها و برنامه‌ها با پیشرفت تکنولوژی و دانش فنی.
75	124- نیاز به خط‌مشی‌ها و برنامه‌های آموزشی و پرورشی نوید بخش و تعلق آفرین.
76	125- ارزیابی مستمر و مداوم از برنامه‌ها و خط‌مشی‌های آموزش و پرورش.
77	126- هماهنگی سیاست‌ها و برنامه‌ها با قانون اساسی، سند تحول بنیادین و سند جامع علمی کشور.

جدول 6 مراحل تحلیل مصاحبه‌ها را نشان می‌دهد. در این جدول محقق مفاهیم استخراج شده را در دسته‌های هم‌نوع تحت عنوان مقوله و پس از آن، مقوله‌های استخراج شده را تحت عنوان بعد سازماندهی و مرتب‌نموده است.

جدول (6) تعیین بعد و مقوله از مفاهیم استخراج شده هسته‌ی (کانون تفکر)

ردی ف	بعد	مقوله	شماره مفاهیم
1	ارزیابی و قبل از اجراء	هماهنگی با سایر قوانین	16-43-49-55-77-106-111-126
2		منابع مالی و انسانی	56-62-63-65-120
3		مشروعیت خط مشی	11-12-22-34-72-84-86-89-90-98-99-110
4		خط مشی های آموزشی مبتنی بر پیشرفت تکنولوژی	23-30-35-61-85-104-123
5	ارزیابی و بین اجراء	مداومت و پایداری	3-42-59-76-92-108-125
6		کارآیی خط مشی	6-44-96-113
7		مشارکت	7-8-15-27-28-33-38-53-54-57-58-68-69-71-91-97-109-118-119
8		احساس تعلق خاطر	20-21-81-82-124
9	ارزیابی و پس از اجراء	تاکید بر مهارت آموزی	9-10-24-25-37-40-67-74-75-103-115
10		اثر بخشی	1-2-4-5-17-18-19-26-31-32-36-39-41-45-46-60-64-66-73-80-83-94-95-100-101-102-112-114
11		همراستایی با جهانی شدن	13-29-50-51-52-87-88-105-116
12		عدالت و برابری	47-70-107-121-122
13		پویایی و بالندگی علمی	14-48-78-79-93-117

نتیجه گیری

حکمرانی شبکه ای در رابطه ای شبکه ای و نه سلسله مراتبی ، میان بازیگران تحقق می یابد و در این رابطه همه اجزا در شبکه باهم ارتباطی هم ارز و هم سطح دارند و یکی را بر دیگری برتری نیست و بلکه همه دانا هستند. یعنی تنوع در دانایی وجود دارد اما اولویت در دانایی پذیرفته شده نیست. که این ویژه گی ها در بین هسته های ذی نفع موجود در آموزش و پرورش به چشم نمی خورد. اگر چه این هسته ها و بازیگران در درون خود روابطی دارند، لیکن این روابط تاکنون به شکل سلسله مراتبی بوده است. ساختاری که امروزه پاسخ گوی نیاز های جامعه هدف نمی باشد و به همین دلیل رویکرد حکمرانی شبکه ای در این

پژوهش ملحوظ نظر قرار گرفت. در دیدگاه سلسله مراتبی برخوردار نهاد‌های موجود در جامعه با هم براساس قدرت شکل می‌گیرد و هسته‌هایی مثل شورای عالی آموزش و پرورش که خود قدرتمندترین نهاد در تدوین سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها و نیز ارزیابی سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها می‌باشد می‌کوشد، تا هسته‌های دیگر را تحت تاثیر قرار داده و خود تاثیر نپذیرد. در چنین وضعیتی واحدهایی که تغییر نمی‌کنند مثل هسته‌های مردمی اثر می‌پذیرند و به تدریج دچار کهنگی و رکود شده و در نتیجه استقلال خود را از کف می‌دهند. برای تبیین نتیجه این سوال باید گفت قوی‌ترین هسته‌ی تاثیرگذار در ارتباط بین هسته‌های ذی‌نفع در آموزش و پرورش شورای عالی آموزش و پرورش است، که از قدرت ارتباطی بالایی در نظام آموزش و پرورش کشور برخوردار است. این هسته با هسته‌ی کانون تفکر به عنوان علمی‌ترین هسته که دارای دیدگاه آکادمیک می‌باشد، ارتباط مستقیم دارد هسته کانون تفکر به عنوان یک هسته‌ی علمی و تکنیکال بیشترین ارتباط را با شورای عالی آموزش و پرورش داشته می‌توان نتیجه گرفت قدرتمندترین هسته در شکل سلسله‌مراتبی خود شورای عالی آموزش و پرورش می‌باشد که بیشترین تاثیر را بر سایر هسته‌ها می‌گذارد. براساس رویکرد حکمرانی شبکه‌ای تعامل، مشارکت و همکاری مبتنی بر اعتماد متقابل برای ارزیابی خط‌مشی‌ها و سیاست‌های آموزش و پرورش موضوعی مهم و حیاتی می‌باشد. باتوجه به این که تحقیق حاضر، به طور کیفی با رویکرد پدیدارشناسی انجام گرفته است، پیشنهاد می‌گردد که با استفاده از نتایج حاصل از این تحقیق، پژوهش کمی صورت گیرد و اولویت ابعاد و مولفه‌ها و شاخص‌های ارزیابی خط‌مشی‌های آموزش و پرورش با رویکرد حکمرانی شبکه‌ای تعیین گردد.

منابع:

- الوانی س.م. 1392. تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی. تهران: انتشارات سمت، 232 صفحه
- پورعزت ع.ا، سیدرضایی م.ی. 1392. ارزیابی عملکرد دولت و حکومت. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، 380 صفحه
- شریعت‌نیا ا. 1394. نقد و بررسی رویکرد سیاست‌گذاری در آموزش عالی ایران با تکیه بر الگوی نظام ملی نوآوری، نخستین کنفرانس ملی مدیریت دولتی ایران. تهران، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- شریف‌زاده ف. معدنی ج. 1394. اصول و مفاهیم پیشرفته دانش خط‌مشی‌گذاری عمومی. تهران: انتشارات واژگان،
- شریف‌زاده ف، قلی‌پور ر.ا. 1387. حکمرانی خوب و نقش دولت، فرهنگ مدیریت، 4: 48-56
- قلی‌پور ر.ا. 1393. تصمیم‌گیری سازمانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، 294 صفحه

کفاشی م، فتحی س. 1390. تاثیر شاخصهای اجتماعی و فرهنگی بر میزان اعتماد اجتماعی شهروندان تهرانی به دانشگاه آزاد اسلامی. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، 32: 49-74.

کیخانزاد م، سنجولی م، بهرادفر ب. ۱۳۹۴. ارزشیابی میزان استفاده از فن آوری اطلاعات و ارتباطات در فرآیند یاددهی و یادگیری برنامه های درسی دانشگاه فرهنگیان بر اساس اسناد بالا دستی از دیدگاه اساتید این دانشگاه‌های استان سیستان و بلوچستان. دومین کنفرانس ملی روانشناسی و علوم تربیتی، استان خوزستان - شادگان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شادگان

Chomsky N. 1995. *Detering Democracy*. London: Vintage.

Polit D.F, Beck CT, Hungler BP. 2001. *Essentials of Nursing Research: Methods, Appraisal and*

utilization, 5th end. Lippincott Williams and Wilkins, Philadelphia, PA.

Trochim W. M. 2009. Evaluation policy and evaluation practice. *New Directions for Evaluation*, 2009(123): 13-32.

Howlertt M, Ramesh M. 2003 *Studying public policy – policy Cycles and policy Subsysms*, Oxford University predd, Oxford, UK.

Jones PD. 2010. Cultural political economy and the international governance of education: A theoretical framework. In *International Educational Governance*. Emerald Group Publishing Limited.

Klemencic E. 2010. The Impact of International Achievement Studies on National Education Policymaking: The Case of Slovenia-How Many Watches do We Need?. *The impact of international achievement studies on national education policymaking. International Perspectives on Education and Society*, 13, 239-266.

Magro E, Wilson J. R. 2013. Complex innovation policy systems: Towards an evaluation mix. *Research policy*, 42(9): 1647-1656.

Mitchell, E. 2006. *Applying and assessing a contingency model for online learning policy implementation in higher education* (Doctoral dissertation, Faculty of Education-Simon Fraser University).

Nevo D. (Ed.). 2002. *School-based evaluation: An international perspective*. Jai.

Wiseman AW. 2010. Introduction: The advantages and disadvantages of national education policymaking informed by international achievement studies. In *The impact of international achievement studies on national education policymaking*. Emerald Group Publishing Limited.

Wollmann H. 2003. Evaluation in public-sector reform: Towards a 'third wave' of evaluation. *Evaluation in Public Sector Reform. Concepts and Practice in International Perspective*. Cheltenham etc, pp: 1-11.